

سیر تطور
بهویت یابی
شیعیان
تا پایان مکتب شیعی بغداد

عبدالمجید مبلغی



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سیر تطور هویت‌یابی شیعیان

تا پایان مکتب شیعی بغداد

عبدالمجید مبلغی

ناشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تهیه

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

سرپرستار

محمدباقر انصاری

ویراستار

محمداسماعیل انصاری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

عنوان: ۵۳۲؛ مسلسل: ۸۲۹

نشانی

قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر پژوهشگاه

علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۰۲۵-۳۷۸۳۲۸۳۳

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱

مراکز پخش

۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۳۷۸۳۲۸۳۴-۰۲۵

۲. تهران، خیابان انقلاب، رویروی در دانشگاه تهران؛ پاساژ فروزنده،

طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن: ۶۶۹۵۱۵۳۴-۰۲۱

وب‌گاه: www.pub.isca.ac.ir

رایانامه: nashr@isca.ac.ir

فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir

فروشگاه نشر دیجیتال: www.pajoohaan.ir

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

سرشناسه:

مبلغی، عبدالمجید، ۱۳۵۸-

عنوان و نام پدیدآور:

سیر تطور هویت‌یابی شیعیان تا پایان مکتب شیعی بغداد/ عبدالمجید مبلغی؛ تهیه پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مشخصات نشر:

قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری:

۵۶۰ ص.: جدول، نمودار

شابک:

۹۰۰۰۰۰ ریال

978-600-195-482-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۵۱۱]-۵۲۵؛ همچنین به صورت زیرنویس

یادداشت: نمایه

موضوع: شیعه - تاریخ

شناسه افزوده: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و

اندیشه سیاسی

رده‌بندی کنگره:

۱۳۹۸ س۹ ۲۳۹/م۱۴ BP

رده‌بندی دیویی:

۲۹۷/۵۳

شماره کتابشناسی ملی:

۵۶۰۰۷۲۳

سخنی با خواننده ۱۱

مقدمه: ویژگی‌های ساختاری و سبک‌شناختی این پژوهش ۱۳

فصل نخست: گفتمان و مطالعه اندیشه شیعه

توضیح روش‌شناسی گفتمان ۲۸

نخست. نظریه گفتمان ۳۷

دوم. کارکرد «فرآیند غیریت‌سازی» در ایجاد «هویت» ۴۰

سوم. مکانیزم «دلالت» در آرایش گفتمانی ۴۳

ملاحظات مقدماتی در باب بهره‌گیری از روش‌شناسی گفتمان در مطالعه شیعه نخستین ۵۲

فصل دوم: شیعه سیاسی؛ از امام علی علیه السلام تا واقعه عاشورا

مقدمه: از امام علی علیه السلام تا عاشورا ۶۱

آرایش قدرت در سی سال نخست اسلام: همراهی گفتمان‌ها (از سال اول هجری تا نیمه اول خلافت عثمان) ۷۸

سقیفه: بازگشت گفتمانی قدیمی در آرایش و دلالت‌های تازه ۹۰

تعویق بیعت امام علی علیه السلام با ابوبکر: ردیابی تبارکنش‌های گفتمانی مبارزه و کناره‌گیری ۱۰۶

- مناسبات پس از سقیفه و شکل‌گیری بلوک‌بندی‌های تازه قدرت: شرایط منجر به تولد گفتمان
 انتقادی شیعه سیاسی..... ۱۱۲
- خلیفه سوم و گرایش مدیریت بحران در پی ظهور یک امپراتوری و ناتوانی قبیله‌گرایی قریش در
 پوشش‌دهی به وقایع تازه..... ۱۲۰
- آرایش قدرت در سی سال دوم اسلام: اختلاف و نبرد گفتمان‌ها (از نیمه دوم خلافت عثمان تا
 شهادت امام حسین علیه السلام)..... ۱۳۸
- عبور از عثمان؛ آشکارشدن بحران و ناکامی یک گفتمان در پاسخ‌دهی به آن: زمینه‌های اولیه
 خلافت شاهی امویان و گسترش ناآرامی در امپراتوری تازه‌بنیاد..... ۱۴۷
- بیعت با امام علی علیه السلام؛ تحقق دیر هنگام یک انتظار بارها به تعویق افتاده: گسترش بحران و آغاز
 نبرد گفتمان‌ها..... ۱۵۴
- جمل و صفین: از تلاش خلافت سنتی برای بازگشت تا تمرد شاهانه..... ۱۵۸
- نهروان؛ رد رادیکال‌نظم موجود: سرخوردگی ناشی از آرمان‌گرایی..... ۱۶۸
- گفتمان شیعه سیاسی (تجدیدنظر در خلافت): گام‌زدن در راهی ناهموار..... ۱۷۱
- حکومت و صلح امام حسن علیه السلام: مصلحت‌سنجی مسبوق به پیشینه‌ای تاریخی..... ۱۸۰
- معاویه: بازسازی گفتمان خلافت شاهی..... ۱۸۶
- ناتوانی یزید: بازگشت منازعات..... ۱۹۲
- فاجعه کربلا: حکاکای یک گفتمان روی دیوار تاریخ..... ۱۹۴

فصل سوم: شیعه اجتماعی؛ از کربلا تا صادقین علیهم السلام

- مقدمه: ویژگی‌های مرکزی گفتمان شیعه اجتماعی..... ۲۰۳
- زمانه بحران: عهد بازگشت گفتمان‌های پیشین در چهره‌ای رادیکال..... ۲۱۷
- شیعه اجتماعی: ترجمان «خون‌خواهی امام حسین علیه السلام» و «مخالفت با امویان» به شیعه علی علیه السلام..... ۲۲۲
- شیعه علی‌بودن به مثابه راهی برای مبارزه: دلالت‌های چندوجهی یک گفتمان در حال پدیداری..... ۲۲۷

- گفتمان شیعه اجتماعی: سردرگمی در دلالت‌ها در پی بحران عاشورا..... ۲۳۳
- خون‌خواهی امام حسین علیه السلام و مقوله انتظار: شیعه میان واقعیت و آرمان..... ۲۳۸
- عبدالله بن زبیر و بازگشت خلافت سنتی و قبیله‌محور قریش: تمرکز قدرت در مکه برای اولین بار
پس از فتح آن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله..... ۲۴۵
- خوارج: امر به معروف و نهی از منکر شرط عدم کفر..... ۲۵۲
- زمینه‌سازی شکل‌گیری گفتمان صادقین علیهم السلام توسط امام سجاد علیه السلام..... ۲۵۷

فصل چهارم: شیعه اعتقادی؛ از عهد صادقین علیهم السلام تا آغاز غیبت صغری

- مقدمه..... ۲۶۱
- انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس: شل شدن یک مفصل بندی..... ۲۷۶
- عهد صادقین علیهم السلام و ظهور سوژه‌های گفتمانی و تولد گفتمان شیعه اعتقادی..... ۲۸۷
- کنش گفتمانی کناره‌گیری در شیعه اعتقادی: عهد صادقین علیهم السلام و فضایی برای تنفس گفتمان سیاست
پرهیز شیعه عهد صادقین علیهم السلام..... ۲۹۰
- گفتمان سیاست پرهیز شیعه اعتقادی: نقد گفتمان چیره سیاسی توسط گفتمان شیعه عهد صادقین علیهم السلام
تا غیبت صغری..... ۲۹۷
- دال مرکزی امامت در شیعه اعتقادی: آغاز شیعه مذهبی منسجم..... ۳۰۵
- انتظار منتقم آل محمد صلی الله علیه و آله: راهکار عبور از آرمان مبارزه تا مبارزه آرمانی..... ۳۱۷
- تقیه: مکانیزم و جاهت‌بخشی به کنش کناره‌گیری..... ۳۲۵
- ایمان: مرز گفتمان امامت..... ۳۳۳
- اطاعت و ولایت: ساختار هرمی ارزش در شیعه..... ۳۴۴
- عصمت: نحوه ارجاع به امام علیه السلام..... ۳۴۸
- علم: رسوخ در آگاهی تضمین یافته..... ۳۵۳

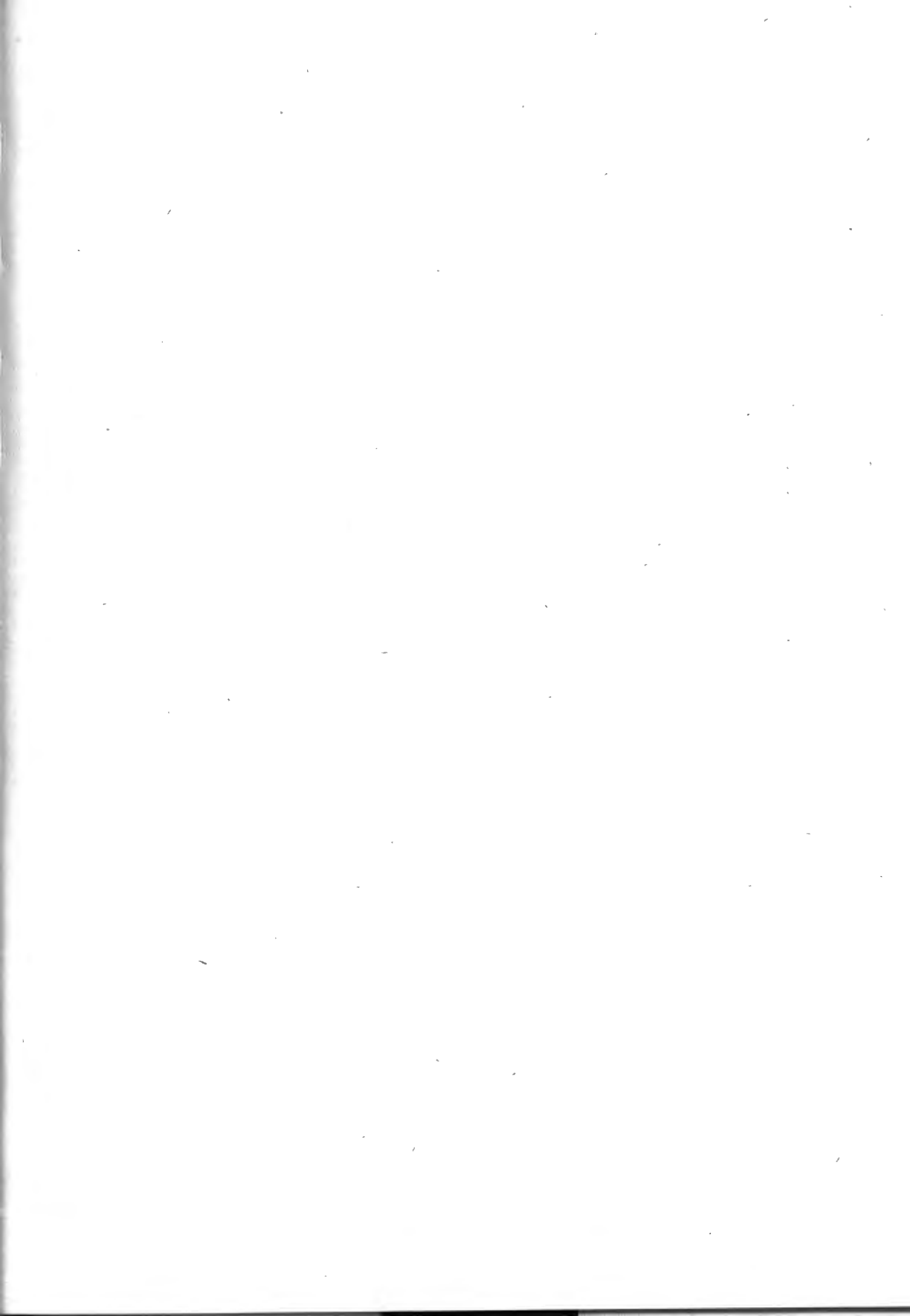
فصل پنجم: گفتمان شیعه هویتی؛ آغاز غیبت تا تأسیس حوزه نجف

۳۵۹ مقدمه
	موقعیت اجتماعی شیعه در ارتباط با عامه: ظهور گفتمان هویتی شیعه در پیوستگی با ساختار
۳۷۴ اقلیت - اکثریت در عهد غیبت
۳۸۱ فقه کالبدی، برون‌گرا و درون‌گرا: تعریف اطوار فقه
۳۸۹ سطوح تحول در فقه: نحوه تبارشناسی فقه
۳۹۵ روش‌شناسی فقه برون‌گرا: رویکرد به اصول فقه اهل سنت جهت پاسخگویی به نیازهای تازه
۴۰۴ معرفت‌شناسی فقه برون‌گرا: رویکرد به کلام جهت تقویت مرزهای هویتی شیعه
۴۱۸ زمینه‌شناسی فقه برون‌گرا: بستر تولید و گسترش فقه هویت‌پرداز برای شیعه
	معنای مطالعه فقه بر پایه احتیاط: زایش متن در فقه شیعه پس از غیبت و دینامیسم تحول در فقه
۴۲۰ از منظر احتیاط
	«منش‌نمایی تاریخی احتیاط» از عهد صادقین <small>علیهم‌السلام</small> تا آغاز دوره غیبت: احتیاط هویتی، حسی و
۴۳۱ روان‌شناختی به مثابه موقعیتی شخصی
	«منش‌نمایی تاریخی احتیاط» در فقه برون‌گرای پس از غیبت: راهی به سمت کدگشایی گفتمان
۴۴۲ هویتی شیعه
	ساختار اکثریت / اقلیت و احتیاط؛ فهم تفاوت حوزه حدیثی قم و حوزه عقلی بغداد در عصر
۴۵۳ نزاع‌های بزرگ گفتمانی بر سر معانی فقه
	درون‌گراشدن تدریجی فقه پس از تأسیس حوزه علمیه نجف: عبور از فقه برون‌گرای اولیه و
۴۶۴ شکل‌گیری فقه درون‌گرای پس از تأسیس حوزه نجف
	روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و زمینه‌شناسی فقه درون‌گرا در حوزه: تثبیت هویت بر پایه میراث
۴۶۶ حوزه بغداد
۴۷۳ رونق‌یابی اصول تقلیدی پس از شیخ طوسی: عبور از نگرش‌های معرفتی و کلامی
۴۸۰ جمع‌بندی: نگاهی به سیر تطور مباحث و مناسبات در چهار گفتمان شیعه نخستین

۵۱۱	کتابنامه
۵۲۲	مجلات
۵۲۳	منابع انگلیسی و آلمانی

نمایه‌ها

۵۲۷	آیات
۵۳۰	روایات
۵۳۴	موضوعات
۵۵۴	اعلام و مشاهیر
۵۵۸	مکان‌ها
۵۵۹	کتاب‌ها



سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی در راستای شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی، شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان بر اساس نص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف، تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این راستا با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد. تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل مهیا کرد.

این پژوهشکده در راستای ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی را به جامعه علمی ارائه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به

مرجعی علمی درباره اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه، خدمات علمی مؤثری ارائه کند. کتاب حاضر با هدف مطالعه سرنوشت شیعه نخستین با توجه به نظام دانش و ساختار قدرت برای بهره‌مندی پژوهشگران، دانشجویان عزیز و طلاب محترم علوم دینی تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند. نویسنده محترم جهت تحقق این هدف تلاش نموده است ذیل توجه به دیالکتیک قدرت و دانش، نحوه تطوریابی خرده‌گفتمان‌های شیعی نخستین را از ابتدا تا حمله سلاجقه به بغداد و پایان کار حوزه علمیه شیعه در آن شهر توضیح دهد. با توجه به ماهیت چندوجهی موضوع، این مهم ضمن مراجعه‌ای گسترده به مصادر طراز نخست تاریخ اسلام، از یک سوی و منابع اسلامی حاوی نخستین ایده‌ها و اندیشه‌های اسلامی از سوی دیگر میسر گردیده است.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم دکتر عبدالمجید مبلقی، ناظر ارجمند دکتر سیدعلیرضا واسعی، ارزیابان محترم دکتر محمود شفیعی و دکتر سیدمحمدعلی حسینی‌زاده، مدیر محترم گروه دکترا رضا عیسی‌نیا و مدیر محترم اداره امور پژوهشی دکتر محمود فلاح قدردانی کند؛ همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک‌زایی که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی اساسی در به‌سرانجام‌رسیدن پژوهش حاضر داشت، تشکر نماید. در پایان از اداره نشر پژوهشگاه به جهت آماده‌سازی و چاپ آن تشکر و قدردانی می‌شود.

این پژوهشکده در راستای حیات و بالندگی خود از انتقادات و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

ویژگی‌های ساختاری و سبک‌شناختی این پژوهش

در مقدمه ویژگی‌های ساختاری و سبک‌شناختی پژوهش پیش روی را توضیح می‌دهم. مباحث مقدمه - همچنان‌که مشخص است - وجهی مقدماتی و تمهیدی نسبت به کلیت کتاب دارد. امید آنکه تلاشی از این دست در ابتدای کار مراجعه به کتاب را تسهیل نماید و در مطالعه بهتر آن مؤثر واقع شود.

حوزه و قلمرو پژوهش: مطالعه گفتمان‌های شیعه نخستین - از دوره امامان علیهم‌السلام تا پایان کار حوزه علمیه شیعی بغداد پس از حمله سلجوقیان به این شهر - از اهمیتی فراوان برخوردار است. چنین مطالعه‌ای در فرض موفقیت، ما را در موقعیتی ویژه و استراتژیک قرار می‌دهد. این موقعیت توضیح و فهم برخی از جانمایه‌های فکری و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مؤثر در تاریخ اندیشه و عمل شیعه و شناسایی نحوه بروز و ظهور و چندوچون‌طور و قوام‌یابی آن است. در این تحقیق از این عهد به مثابه «شیعه نخستین» یاد می‌کنم. در متن تحقیق دلایل و توجیحات این نامگذاری آمده است؛ اما به صورت خلاصه می‌توان گفت بخش مهم و مرکزی نحوه تکون‌یابی شیعه و هویت‌پذیری تاریخی آن، با همه تنوع‌اتش، در عهد میان سقیفه تا حمله سلاجقه به بغداد رخ داده است و رد پای تطورات فکری و رفتاری شیعه پس از آن را

می‌توان در این دوره تاریخی پی جست و دریافت. به یک معنا شیعه پس از این عهد، عمیقاً و اساساً مدیون مناسبات و تطورات این دوران مهم و کلیدی است. هم از این روی بررسی تطورشناختی خرده‌گفتمان‌های شیعی در این عهد خطیر، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای مراتب فهم ما از زنجیره روابطی بازی خواهد نمود که پس از این دوره رخ داده است و در قالب تطورات تاریخی و نیز نظریه‌های شیعی در تاریخ ماندگار گردیده است.

پرسش مرکزی کتاب آن است که چندوچون شکل‌گیری و نحوه تحقق گفتمان گسترده شیعه در عصر امامان علیهم‌السلام تا پایان حوزه شیعی بغداد که شامل چهار خرده‌گفتمان می‌گردد، چگونه بوده است. به زبان تفصیلی‌تر چگونه اندیشه و عمل شیعه نخستین متأثر از عواملی نظیر زبان سیاسی و دانشی حاکم بر شیعه به مثابه اقلیتی در حال شکل‌گیری و سیال، آرایش عمومی و درون‌گروهی شیعیان در درون خود و در ارتباط با دیگران و نیز تحت تأثیر مناسبات قدرت ناشی از قدرت رسمی در جامعه آن روز (گفتمان‌های سیاسی مسلط و هژمون عامه) شکل گرفت و بسط یافت؟ به باور نگارنده پاسخ به این پرسش در پی مطالعه رابطه برقرار میان مناسبات اجتماعی حاکم بر اطوار مختلف شیعه نخستین در دوران حضور امامان علیهم‌السلام تا ابتدای عصر غیبت کبری و سپس تا پایان حوزه شیعی بغداد، با دانش فراگیر اسلامی و درون‌گروهی شیعی و بررسی چندوچون انعکاس روابط قدرت در اندیشه و عمل شیعه در آن زمانه و زمینه مهم میسر می‌شود و مطالعه‌ای از این دست، در سطوحی، ما را با سرشت مناسبات متأثر بر تکون‌یابی شیعه عمیقاً آشنا می‌سازد.

هدف تحقیق پیش روی انجام این مهم ذیل بهره‌گیری از روش‌شناسی گفتمان است؛ روشی که پیگیری مناسبات فکری را در ارتباط با روابط قدرت و توضیح روابط قدرت را در پیوستگی با مناسبات فکری تعقیب می‌کند. همین جا باید تذکر دهم که شیعه‌شناسی را نمی‌توان به مطالعه یک فرقه اسلامی فروکاست. جریان شیعه صرف

نظر از داوری‌هایی که در ارتباط با زمان، حوزه، دانش یا معرفت برآمده در درون آن و جغرافیای سیاسی و عملیاتی آن ممکن است اختیار گردد، گستره‌ای پهناور را پوشش می‌دهد که در دل خود، مجموعه‌ای پر تعداد از امکانات متفاوت را برای تفسیرهایی گوناگون فراهم می‌آورد. تنوعی از اعتقادات سیاسی، برداشت‌های تاریخی و قضاوت‌هایی که از آنها به عمل آمده است و نیز مبانی کلامی و اعتقادی‌ای که از آنها برآمده است، از جمله این موارد هستند. تلاش این تحقیق آن خواهد بود که ذیل امکانات روش‌شناختی گفتمان، سطوحی از نظم‌بخشی را در ارتباط با مفاهیم تاریخی مرتبط با شیعه نخستین پیشنهاد دهد که بنا بر ادعا درکی از نظام‌واره‌های دانش عمل شیعی به دست می‌دهند و خطی از سیر تحول تاریخی گفتمان‌های شیعی در ارتباط با مناسبات اجتماعی و دانش شیعی فراهم می‌آورند.

دامنه و سطوح پژوهش: چنین مراجعه‌ای به تاریخ - همچنان‌که دلایل آن را توضیح خواهیم داد - ما را با چهار خرده‌گفتمان مهم در اندیشه شیعه مواجه می‌سازد؛ چهار خرده‌گفتمانی که به رغم وجود سطوحی از پیوستگی و هم‌پوشانی، گویای تحول و ناپیوستگی‌هایی مهم نیز در برخی حوزه‌ها، کنش‌ها و تکنیک‌ها و نیز معارف و دانش شیعی هستند. از این چهار خرده‌گفتمان در این تحقیق به مثابه چهار گفتمان شیعه یاد خواهیم کرد. این تعبیر - همچنان‌که بر آگاهان مطالعات گفتمانی روشن است - به ماهیت صورت‌بندی‌های گفتمانی باز می‌گردد؛ صورت‌بندی‌هایی که انسجام خویش را مدیون تفاوت‌گذاری‌ها و شکاف‌ها با دیگر صورت‌بندی‌ها هستند. گفتمان شیعه نخستین در معنای گسترده خود، شامل چهار صورت‌بندی کمابیش متفاوت است که در هر یک نحوه‌ی ویژه‌ای از آرایش معانی و دلالت - آن‌گونه‌که توضیح خواهیم داد - مشاهده می‌شود. هم‌از این‌روی این چهار صورت‌بندی نیز در نهاد خویش، گویای چهار گفتمان تطوریافته در دل گفتمان بزرگ‌تر تاریخی شیعه نخستین هستند؛ البته در همین ابتدای کار باید یادآور شوم، این تنوع در حوزه تطورات اجتماعی و دانش درجه

دوم شیعی مرتبط با آن (دانش غیر معصومان از شیعه) رخ داده است و وجود آن ناقض اصل مهم پیوستگی اندیشه و عمل امامان بزرگوار شیعه علیهم‌السلام و نیز نور واحد بودن آن بزرگواران معصوم علیهم‌السلام^۱ نیست. این چهار خرده‌گفتمان که در تحقیق از آنها به مثابه چهار گفتمان شکل‌دهنده به شیعه نخستین یاد خواهیم کرد، بستر تحول را در شیعه در معنای مورد اشاره مشخص می‌سازند؛ تحولی که از تأکید بر امر سیاسی معطوف به حضور در صحنه‌های رسمی تخصیص قدرت و اعتبار می‌آغازد و تا تمرکز بر تکنیک‌های درون‌گروهی تولید و گسترش هویت ادامه می‌یابد. در هر گام از این چهار گفتمان مرحله‌ای از تاریخ شیعه نخستین رقم می‌خورد و فرجام می‌یابد. در این تحقیق چهار عنوان برای شناسایی این چهار گفتمان پیشنهاد می‌شود. عناوین و نحوه دوره‌بندی تاریخی این چهار گفتمان که وجه همت این پژوهش ورود تفصیلی به آنها طی فصول آینده است، از قرار زیر هستند:

یکم. گفتمان شیعه سیاسی که شامل اندیشه و روابط قدرت از عهد امام علی علیه‌السلام و تحولات سقیفه تا شهادت امام حسین علیه‌السلام می‌گردد. خواهد آمد که ویژگی اصلی این گفتمان «عمل‌محوری» سیاسی بوده است؛ همچنین توضیح خواهیم داد که این گفتمان، بنیادگذار دو کنش مرکزی گفتمانی در تاریخ شیعه نخستین گردید؛ کنش‌هایی که گفتمان‌های بعدی شیعه، به یک معنا، بر پایه چند و چون رویکرد به آنها نظم و نسق یافتند. این دو کنش مهم «مبارزه» و «کناره‌گیری» بودند.

دوم. گفتمان شیعه اجتماعی که اندیشه و روابط قدرت از عهد پس از عاشورا و زمانه منتقمان عاشورا تا عهد صادقین علیهم‌السلام را شامل می‌گردد. توضیح خواهیم داد که ویژگی اصلی این گفتمان «توده‌محوری» و کنش‌های گفتمانی آن نیز در سطح اول «مبارزه» و در سطح محدودتر «کناره‌گیری» بوده است.

۱. قال رسول الله ان الله اوحى الى ليلة اسرى بي ... يا محمد انى خلقت علياً و فاطمه والحسن والحسين والائمة من نور واحد (محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۳۶، ص ۲۸۱).

سوم. گفتمان شیعه اعتقادی که به اندیشه و روابط قدرت از عهد صادقین علیهم‌السلام تا زمانه غیبت امام دوازدهم (عج) باز می‌گردد. خواهد آمد که ویژگی مرکزی این گفتمان «مرکز محوری» و کنش‌های گفتمانی آن نیز در سطح ذهنی «مبارزه»، به مثابه امری آرمانی و منطق گفتگوی درون‌شیعی و در سطح عینی «کناره‌گیری»، به مثابه امری عینی و واقعی و منطبق رفتار با غیر شیعیان بوده است.

چهارم. گفتمان شیعه هویتی که به اندیشه و روابط قدرت شیعه از زمان غیبت امام دوازدهم (عج) تا برچیده‌شدن حوزه علمیه شیعی در بغداد اشاره دارد. از میان رفتن حوزه بغداد با حمله سلاجقه به این شهر و فروریختن ساختار کمابیش پررونق آموزش و پژوهش شیعی در بغداد که از جمله در عهد آل‌بویه توسط متکلمان و عالمان شیعی مورد استفاده واقع شده بود، اتفاق افتاد. ویژگی مرکزی این گفتمان «دانش محوری» براساس مراجعه به دانش فقه برون‌گرای پس از عهد غیبت و کنش‌های گفتمانی آن نیز «کناره‌گیری» به مثابه مبنایی تثبیت‌شده برای سر و شکل‌دادن به نحوه عمل سیاسی در عهد غیبت و «مبارزه» در معنایی عمیقاً آرمانی و نامشروط به امر بیرونی (مفهوم انتظار در عهد غیبت) بوده است.

هر یک از این چهار گفتمان گامی در مسیر تطور شیعه برداشته‌اند و هر کدام کارویژه‌ای مهم و یگانه را در تاریخ شیعه نخستین سبب شده‌اند. به اختصار، جهت ارائه نگاهی سریع به نحوه پیشرفت مباحث در کتاب، کارکرد این چهار گفتمان را در تطوریابی شیعه نخستین توضیح می‌دهم؛ تطوری که گویای مسیری طولانی از طرح ایده‌های شیعی در عهد پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا هویت‌یابی کمابیش تثبیت‌گردیده آن در حوزه علمیه بغداد است:

گفتمان نخست نوع خاصی از مراجعه به امامان علیهم‌السلام ضمن توجه و رویکرد به سیاست را سبب شد. در توضیح چندوچون شکل‌گیری این گفتمان به مباحثی نظیر آرایش ویژه قدرت در قریش و ساختار هژمونیک آن، تولد امپراتوری اسلامی و

اقتضائات گفتمانی ناشی از آن، پدیداری و نظم‌یابی گفتمان‌های رقیب آن طی سی سال دوم پس از وفات پیامبر ﷺ، معنای شیعه علی علیه السلام بودن و دلالت‌های ضمنی آن می‌پردازم و در نهایت نحوه بروز و ظهور گفتمان شیعه سیاسی در عرصه سیاست و در ارتباط با کلیت جامعه پیچیده و چندوجهی‌گردیده اسلامی را توضیح می‌دهم. خواهد آمد که در این عهد شیعه علی علیه السلام بودن با عمل سیاسی معطوف به کلیت جهان اسلام قرین گردید و شیعه دلالت مؤثری در عرصه سیاسی و نزاع‌های پرافت‌وخیز میان گفتمان‌های مرکزی محل رقابت سیاسی در مناسبات آن روز یافت.

حاصل آنکه گفتمان نخستین شیعه ذخیره‌ای از معانی و اعمال را گرد آورد که دستمایه گفتمان‌های دیگر شیعه امامی و دیگر گفتمان‌های شیعی در اعصار بعدی گردید. این ذخیره معانی و اعمال را می‌توان در دو حوزه کنش گفتمانی کناره‌گیری ویژه شیعی از عهده‌داری امر سیاسی همراه با سطوحی از همکاری محدود در مواقع مورد نیاز با صاحبان قدرت و کنش گفتمانی منازعه با سیاست غیر شیعی و نبرد و قیام بر ضد آن طبقه‌بندی نمود. این دو کنش، به یک معنا، سرشت مناسبات مفصل‌بندی‌شده در این گفتمان را نشان می‌دادند. گفتمان‌های بعدی شیعه را نیز بر اساس نحوه ویژه مراجعه‌ای که به این دو کنش داشتند، می‌توان توضیح داد و درکی کمابیش گفتمانی از نحوه عمل و چندوچون دلالت در آنها یافت. نکته مهم آنکه هر یک از گفتمان‌های بعدی بر اساس اقتضائات ناشی از مفصل‌بندی ویژه خود نحوه منحصر به فردی از مراجعه به این دو کنش را سر و سامان بخشیدند و به یک معنا در بستر زمینه و زمانه درک ویژه‌ای از مبارزه یا کناره‌گیری یا ترکیبی از هر دو را ایجاد نمودند و پروردند.

گفتمان دوم با ویژگی‌هایی نظیر استعاری و اجتماعی شدن مفاهیم و اعمال شیعی قابل شناسایی است و درکی گسترده از نحوه شیعه‌بودن را در قبال نظم موجود در جامعه بسط داد. شیعه در این عهد گستره تأویل‌پذیری از مفاهیم و اعمال منازعه‌گرانه و ضد حکومت امویان را شامل می‌شد که از قابلیت بالایی برای ترجمه به جریان‌های

قیام‌گرای مخالف با وضع موجود برخوردار بود. حاصل این گفتمان فراگیر شدن هر چه بیشتر دغدغه شیعی در جهان اسلام بود. به یک معنا ذیل این گفتمان بود که زبان مؤثری از مخالفت با نظم موجود در قالب دلالت‌های مفصل‌بندی‌شده در دل نگرش‌های سیاسی و انتقادی شیعی از نحوه اداره جامعه اسلامی پدید آمد. این گفتمان بر پایه مراجعه به کنش مبارزه و قیام در گفتمان نخست شیعه به مثابه مبنایی برای عمل معطوف به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام پدیدار گردید. البته در کنار این جریان کمابیش گسترده از نگرش شیعی، جریان دیگری نیز در این عهد وجود داشت که زمینه‌های تاریخی گفتمان سوم شیعه در عهد صادقین علیهم السلام را فراهم آورد. این رویکرد که عمدتاً ذیل جهت‌گیری‌های امام سجاد علیه السلام در میان بخشی از شیعیان آن عهد دنبال می‌شد، به کنش کناره‌گیری در گفتمان نخست شیعه به مثابه مبنای عمل در جهان پرمخاطره آن عهد مراجعه کرد. به این ترتیب رد پای هر دو کنش منازعه سیاسی و کناره‌گیری از سیاست را در این عهد می‌شد مشاهده کرد؛ با این حال متأثر از عاشورا، کنش مهم‌تر منازعه و قیام‌گرایی بود و بخشی جدی از تلاش و گفتگوی شیعی در دل گفتمانی از جنبش‌های خون‌خواهانه رقم خورد؛ هرچند کنش کناره‌گیری نیز به مثابه یک جریان کمابیش تداوم‌یابنده در این عهد بروز و ظهور یافت.

گفتمان سوم در تطور شیعه را باید با مختصاتی نظیر مرکز‌محوری و مراجعه به امامان علیهم السلام به مثابه رؤسای مذهب بازشناخت. این گفتمان شیعه را به مثابه گروهی اعتقادی با سلسله‌عقاید کمابیش مشخص شکلی تاریخی بخشید. در این گفتمان مراجعه ویژه‌ای به کنش‌های پایه‌ای شیعه در گفتمان نخستین سیاسی آن اتفاق افتاد. دقیق‌تر آن است که بگوییم این گفتمان ذیل صورت‌بندی متفاوتی که در ارتباط با این دو کنش در آن رخ داد، بخش مهمی از شیعه را به مثابه گروهی برخوردار از هسته مرکزی شکل و شمایل متمایز با جریان‌های فراگیر دیگر بخشید. به صورت مشخص در این گفتمان کنش کناره‌گیری به مثابه وجه رفتاری و کنش مبارزه به مثابه وجه

آرمانی شیعی معرفی گردید. بر این اساس منطق درونی مناسبات شیعی ذیل مراجعه به کنش آرمانی بر پایه تأیید ضرورت مبارزه و تأکید بر اهمیت قیام معنا یافت؛ در حالی که منطق ارتباط‌دهنده آن با جهان بیرون بر اساس کنش کناره‌گیری و همکاری محدود تنظیم گردید. وضعیتی از این دست در عهد صادقین علیهم‌السلام تا عصر غیبت بر جریان مرکزی شیعه حکم فرما بود؛ هر چند جریان‌های دیگر شیعی نیز که به درکی این‌گونه وفادار نبودند، هم‌چنان پراهمیت باقی ماندند. مشخص است که در نگاه نخست میان دو کنش مبارزه و کناره‌گیری شکاف و انشقاق به چشم می‌آید؛ با این حال شیعه توانست گفتمان ویژه‌ای را در این عهد صورت‌بندی کند که رابطه‌ای مؤثر میان این دو وجه آرمانی و عینی برقرار نمود و در عمل زمینه‌های تاریخی ماندگار گردیدن شیعه را فراهم آورد. طی فصل چهارم که به توضیح این گفتمان اختصاص دارد، آرایش گفتمانی ویژه‌ای را بررسی خواهیم نمود که امکان جمع‌آمدن وجه آرمانی و وجه عینی شیعه را فراهم آورد. اینکه شیعیان توانستند ذیل بازگویی وجه آرمانی خود و اندیشه در باب آن هویت گروه خویش را که در این عهد به مثابه اقلیتی مهم مرتباً تشدید نمایند و در عین تعهد به فرایند تشدیدشونده‌ای از این دست قادر به آن شوند که در مناسبات بیرونی خود جهت‌گیری معطوف به کناره‌گزینی را در حوزه سیاست در پیش گیرند، مقوله پیچیده‌ای است که به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از نظریه گفتمان بتوان آن را تا حدی توضیح داد. در مطالعه‌ای از این دست باید «آگاهی شیعی» را ذیل آرایش‌هایی جستجو کرد که متأثر از نحوه دلالت مفاهیم مهم و شیوه ارتباط‌یابی آنها با همدیگر تحقق یافت. این وجه آرمانی در عین حال بیانگر نوعی بی‌قراری در اندیشه شیعی نیز بود؛ چه آنکه در پی فرارسیدن عصر هر امام از زمان صادقین علیهم‌السلام به بعد، شیعیان توقع داشتند که وی امام موعود یا مهدی، جهت احیای حق اهل بیت علیهم‌السلام در آخرالزمان باشد و عهد خروج از سیاست مماشات و ورود به عرصه عمل مبتنی بر قیام جهت تشکیل حکومت و بازگرداندن آن به خاندان هاشمی

فرا برسد. به یک معنا وجه آرمانی شیعی، به رغم کنترل بی‌قراری‌های اندیشه شیعی در سطح عمل اجتماعی، همچنان به لحاظ ذهنی سطوحی از بی‌قراری را در شیعه تداوم بخشید.

کارکرد مهم گفتمان بعدی شیعه که فصل پنجم کتاب به بررسی آن اختصاص دارد، کنترل این بی‌قراری گفتمانی و تولید آرایشی از معانی است که به مفاهیم برآمده از کنش قیام و منازعه با «غاصبان حق اهل بیت (علیهم‌السلام)» در ادبیات شیعی صورتی تعویقی بخشید و آن را فراتر از یک استراتژی آرمانی معطوف به عمل، به یک استراتژی آرمانی معطوف به مقاومت ذهنی و انتظار تداوم‌یابنده و غیرمشروط به تحولات و تغییرات ناشی از جهان بیرون بدل نمود. چنین تلاشی ذیل اقتدار هژمونیک دانش فقه پس از عهد غیبت که خود تا حد قابل توجهی متأثر از کلام اعتزالی و اصول فقه عامه بود، میسر گردید. در این گفتمان شیعیان ذیل تکنیک‌های ناشی از بروز و ظهور دانش فقه - و البته آن‌گونه که خواهد آمد سطوحی از دانش کلام - در عهد غیبت سبک زندگی فقهی و عقیدتی ویژه‌ای را تولید نمودند که بیانگر نوعی واقع‌گرایی سیاست‌گريزانه بود. به این ترتیب گفتمان چهارم شیعه را باید در ارتباط با پدیداری نهایی هویت شیعی طی بحران عدم دسترسی به معصوم (علیه‌السلام) فهم کرد؛ زمانه‌ای که با ویژگی‌هایی نظیر جدی‌تر شدن ساختار مراجعه به فقیهان و مرکزیت یافتن دانش فقه قابل شناسایی است. خواهد آمد که رویکرد به فقه در نهایت درکی ویژه از شیعه‌بودن فراهم آورد و به امامیه اثناعشری این فرصت تاریخی را بخشید که به مثابه میراث مرکزی شیعه ماندگار و نهایی گردد؛ درکی که بی‌قراری‌های وجه آرمانی شیعه را کاهش داد و سبک زندگی ویژه شیعی را بر پایه‌کناره‌گیری از سیاست و انتظار برای پایان غیبت به صورتی تداوم‌یابنده و غیرمشروط به امر بیرونی و روزمره (غیروابسته به شرایط و وقایع بیرونی) پدید آورد.

روش‌شناسی پژوهش: موفقیت چنین مطالعه‌ای، آن‌گونه که در فصل نخست تحقیق

به تفصیل توضیح خواهم داد، ذیل امکانات تاریخ‌کاوانه روش‌شناسی گفتمان محتمل‌تر و جدی‌تر است. دست‌کم می‌توان گفت که مطالعه‌ای گفتمانی در این وادی به بازگشایی و کدگشایی از بخشی از معانی پس‌تحولاتی می‌انجامد که در فقدان چنین مطالعه‌ای نمی‌توان به شناسایی نظام‌مند آنها امید بست. این رویکرد به نظریه گفتمان ناشی از قابلیت ویژه‌ای است که در دل این روش‌شناسی نهفته است: گسترش سطح حساسیت پژوهش در شناسایی زمینه‌های درونی و بیرونی (شیعی و غیر شیعی) منجر به شکل‌گیری معرفت و عمل سیاسی شیعی در ارتباط با حوادث و در دل وقایع از یک سوی و متعاقب و مبتنی بر آن، فهم اعمال شیعیان یا اعمال رخ داده بر شیعیان - از جمله از سوی سنیان - از سوی دیگر. به تعبیر دیگر مطالعه‌ای مبتنی بر فهم گفتمانی و تکنیک‌های جامعه‌شناختی و تاریخ‌کاوی درباره اندیشه سیاسی شیعه این فرصت را به ما می‌بخشد که فراتر از نگاه‌های معمول، دیالکتیک موقعیت و دانش را به شیوه‌ای مؤثرتر در این عهد رصد کنیم و بر پایه آن، در صورت توفیق، قادر به توضیح سطوحی از اندیشه سیاسی شیعه در این زمانه و زمینه خطیر گردیم که در نگاهی کلاسیک به گذشته مشاهده نمی‌شوند یا کمتر مشاهده می‌شوند و بخش‌هایی از آن، ای بسا در مواقع مهمی، از نظر دور می‌ماند. هنگامی می‌توان به مطالعه‌ای از این دست امید و دل بست که حاصل کار، ما را به شناسایی «ساختار قدرت»^۱ حاکی از آرایش ایده‌های طرح‌یافته، نکات پرورده و اعمال اجتماعی و سیاسی رخ داده در عهد امام علی علیه السلام تا پایان کار حوزه بغداد قادر گرداند؛ شناختی که امید می‌رود در پی بررسی بسترهایی نظیر توضیح مواضع اندیشه‌ای و اعمال اجتماعی شیعه اعم از رویکرد امامان علیهم السلام و اصحاب ایشان، شناسایی منطق تعامل نخبگان شیعه با محیط و ظرف تحرک اجتماعی و اندیشه‌ای گروه‌های مشهور به شیعی حاصل آید. به منطق، چندوچون و نتایج مورد

1. Power Structure.

انتظار از بهره‌گیری از گفتمان در این تحقیق در فصل نخست کتاب که به توضیح روش‌شناسی پژوهش اختصاص یافته است، خواهم پرداخت.

همین جا باید به اختصار یادآور شوم - همچنان‌که در متن تحقیق به تفصیل خواهد آمد - «شیعه» و نشانه‌ها یا دال‌های مشابه آن نظیر علوی و امامی همیشه و همه جا دلالتی ثابت در گفتمان شیعه نداشته‌اند؛ با این حال این نشانه‌ها یا دال‌ها مسیری را در نشان‌دهنده‌بودن و دلالت پیموده‌اند که فهم آن تابعی از توضیح تطورات پرشمار تاریخی شیعه است. در واقع در دل گفتمان بزرگ‌تر شیعی، به مثابه مجموعه‌ای که خود از خرده‌گفتمان‌های تاریخی معطوف به دغدغه‌ای ویژه در باب نحوه انتقال ریاست مذهبی و قدرت سیاسی به هاشمیان تشکیل شده است، ما با گروه گسترده‌ای از تطورات مواجه می‌شویم. در این مسیر به‌مرور واژگان مشار به اندیشه و عمل شیعی شفافیت بیشتری می‌یابد و دلالت‌های ناشی از این تطورات در زبان شیعی به سطح قابل توجهی از گویایی و کارآمدی در توضیح تفاوت‌ها و شباهت‌ها نایل می‌آید. در نهایت پس از شکل‌گیری گفتمان هویتی شیعه پس از عهد غیبت ما با سطح کمابیش تثبیت‌شده‌ای از شفافیت در دلالت دال‌های مرکزی شیعه از جمله اصطلاح شیعه مواجه می‌شویم.

ژانر و ویژگی‌های سبک‌شناختی پژوهش: این کتاب اثری صرفاً تاریخ‌نگارانه نیست؛ بلکه بیانگر تلاشی برای توضیح برخی زمینه‌های مؤثر در نحوه تحول در تاریخ در مقطع عصر حضور امامان علیهم‌السلام تا پایان کار حوزه بغداد و تأسیس حوزه نجف است؛ به بیان دیگر هدف نگارنده این اثر نه توضیح تاریخ و شرح تحولات این عهد که تدارک تلاشی در مسیر فهم برخی از سطوح تطور در تاریخ در مقطع مورد اشاره است؛ هم از این روی به جای تقید به نگارش سیر حوادث که می‌توانست به درازا بینجامد و کتاب را از مسیر خود دور سازد، تلاش شده است در حد وسع خویش، معانی ضمنی و صریح گفتمان‌هایی شناسایی و بررسی گردد که زوایایی از تکون شیعه

را نشان می‌دهند. حاصل آنکه مراجعه به این اثر با هدف مطالعه و تعقیب سیر حوادث تاریخ صحیح نیست و غرضی از این دست در متن پیش روی پاسخی درخور نمی‌یابد. امید نگارنده آن است که مطالعه کتاب برای کسانی که با هدف شناسایی بسترهای تحول در تاریخ شیعه نخستین به آن مراجعه می‌کنند، راهی به نگاه‌ها و احیاناً مسیری به پرسش‌های تازه در باب نحوه شکل‌گیری، گسترش و نقش‌آفرینی گفتمان‌های شیعه بگشاید.

در این تحقیق تلاش شده است با توجه به محوریت متن در مطالعه‌ای گفتمانی، فضایی مناسب جهت مراجعه مؤثر خوانندگان به دلالت‌های مورد ادعای تحقیق فراهم آید؛ از این‌رو گزیده‌هایی مرکزی از متون مورد استناد از منابع که عمدتاً به زبان عربی کلاسیک هستند و بخشی از گزارش‌های سنت تاریخ‌نگاری اسلامی در سده‌های آغازین و میانه اسلامی را شامل می‌شوند، مستقیماً نقل گردیده است. میل و رویکرد نوشتار در نقل این متون و گزارش‌های تاریخی یا روایی تلخیص آنهاست؛ هرچند اولویت متن و دلالت‌های زبانی در این تحقیق مراعات امری از این دست را دشوار نموده است؛ همچنین باید تذکر داد که اهمیت بخشی از این متون نه در صحت و سقم روایتگری آنها که در انتقال ذهنیت اسلامی پدیدآمده در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی در باب عرصه موضوع گزارش در این منابع است. زبان و نحوه ارجاع به این بخش‌ها در متن تحقیق گویای رویکردی از این دست به آنها خواهد بود. به این ترتیب هنگام مطالعه بخش‌های حاوی ارجاعات به این متون باید نحوه بهره‌گیری از آنها را نیز لحاظ نمود.

نکته سبک‌شناختی دیگر آنکه به جز فصل اول که ماهیتی متفاوت با دیگر فصول دارد و هدف آن توضیح چارچوب تئوریک تحقیق و ملاحظات روش‌شناختی است، در ابتدای هر فصل شمه‌ای کمابیش نهایی شده از مطالب آن فصل بر اساس نظام واژگان و ادبیات گفتمانی ارائه شده است. این مقدمه‌ها بیانگر نظم و آرایش هر یک از

چهار گفتمان سیاسی شیعه در چهار مقطع زمانی مورد بحث در این تحقیق است. پس از مقدمه و ذیل پاره‌های بعدی، این مطالب بسط و توضیحی تفصیلی یافته است. طی این پاره‌ها نیز کمابیش از ادبیات گفتمان بهره‌برداری گردیده است؛ هرچند گاه به دلیل تسهیل فرایند انتقال معنا و با هدف احتراز از پیچیده‌گردیدن متن به شیوه‌ای مضاعف، از دایره واژگانی فراخ‌تری استفاده شده است و بعضاً به جای اصطلاحات تخصصی گفتمان در معنای مورد نظر در این تحقیق - نظیر نظم ناشی از قدرت / دانش، دال مرکزی، عناصر شناور، مفصل‌بندی و... - از مفاهیم عمومی‌تر بهره گرفته شده است. با این حال همیشه و همه جا تلاش تحقیق، به اقتضای سرشت روش‌شناختی حاکم بر آن، التزام به بسط درکی گفتمانی از مناسبات تاریخی مورد بحث بوده است.

نکته دیگر آن است که با توجه به اینکه در مطالعه شیعه بر اساس گفتمان‌های پدیدآمده در تاریخ، ما از آرایش مفاهیم و نسبت آنها با یکدیگر و نیز نسبت آنها با مناسبات پیرامونی سخن می‌گوییم، جهت تسهیل مفاهمه مجموعه‌ای از نمودارها طراحی گردیده و در جای‌جای تحقیق قرار گرفته است. به صورت مشخص نمودارهایی که در انتهای فصول آمده است، از اهمیت بیشتری برخوردار است و نحوه آرایش مفاهیم را در فصل مورد بحث یا در مجموعه‌ای از مباحث در مقطعی بزرگ‌تر از یک فصل نشان می‌دهد.

در نهایت باید یادآور شوم که در مقدمه فصول دوم تا پنجم و پیش از آغاز پاره‌های اصلی این فصول، شمایی از مباحث آن فصل با تأکید بیشتری بر ادبیات گفتمانی، و به صورت فشرده آمده است.